

سیری در تحول اندیشه سیاسی جلال آل احمد (۲)

۲۰ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۱۲:۳۴

غربزدگی جلال چند کار مهم برای جامعه ایران انجام داد: نخست آنکه از راه فراهم آوردن یک تراز نامه انتقادی از کارنامه صد ساله روشنفکری در ایران، مسائل پیچیده‌ای که این جامعه در حال تغییر با آن دست به گریبان بود را به سادگی توضیح داد. دوم آنکه با مطرح ساختن دوباره مسئله هویت ملی و قومی یک آلترناتیو بومی‌گرایانه را در برابر دیدگاه انترناسیونالیستی نیروهای چپ ایرانی که در آن برهه از قدرت زیادی برخوردار بودند، علم کرد؛

کوتادی ۲۸ مرداد و حوادث پس از آن، دوره‌ای از خفقان و سردرگمی برای روشنفکران ایرانی به ارمغان آورد. رژیم کودتا برای چند سال تمامی تلاش خود را در راستای سرکوب مخالفان سیاسی متمرکز ساخت و عملاً امکان فعالیت سیاسی خارج از حیطه خواسته‌های حکومت وجود نداشت. در حالیکه هر دو دوره فعالیت‌های سیاسی جلال در حزب توده و همچنین دولت ملی مصدق با شکست مواجه شده بود، وی در این چند سال سکوت سیاسی راه جدیدی برای مبارزه با استبداد و عقب ماندگی جامعه ایران جستجو میکرد چرا که او خود به عینه دیده بود که بلوک غرب و شرق بعنوان نمایندگان دو جریان عمده فکری قرن بیستم، جز عقبماندگی و وابستگی، حاصلی برای این ملت نداشتند و از سوی دیگر نیز بیگانگی و عدم سنخیت این اندیشه‌ها با شرایط جامعه و نیازهای آن، روز به روز بیشتر هویدا میشد.

به همین مناسبت یکی از اولین گامها برای پردازش ایده‌های بومی در میان روشنفکران ایرانی را جلال برداشت، این گام نخستین بی شک میبایست با انتقاد از رسوخ و پرستش اندیشه‌های غربی آغاز میشد و کتاب "غرب زدگی" جلال این رسالت را به بهترین وجه به انجام رساند. وی در آغاز دهه ۱۳۴۰ با انتشار این کتاب، جامعه روشنفکری را تکان داد. آل احمد مفهوم غرب زدگی را از فردید به عاریت گرفت، آنرا بسط داد و تفسیری همه فهم از آن ارائه نمود.^[۱] به تعبیر خود او «حرف اصلی این دفتر در این است که ما نتوانسته ایم شخصیت فرهنگی - تاریخی خودمان را در قبال ماشین و هجوم جبریش حفظ کنیم، و مضمحل شده ایم.^[۲]» و همانطور که خودش تصریح میکند: «تضاد اصلی بنیاد های سنتی اجتماعی ایرانی ها با آنچه به اسم تحول و ترقی دارد در این مملکت می گذرد، محرک صلی او برای نوشتن غرب زدگی شده است»^[۳]. به عبارت بهتر "غرب زدگی" نقدی بود بر تقلید بی و چون چرای روشنفکران ایرانی از تفکرات وارداتی، بدون توجه به شرایط و نیازهای جامعه خودی، از همین رو وی هیچ تفاوتی میان بلوک غرب و شرق قائل نمیشد، کما اینکه منظور وی از غربزدگی نیز، غرب جغرافیایی نبود، بلکه منظور، جهان توسعه‌یافته‌ای بود که بقای خود را در رسوخ و چیرگی بر جهان توسعه نیافته و مکیدن منابع و وادار نمودن آنان به تسلیم میدانست و از این حیث آل احمد شوروی را نیز جزئی از جهان غرب تلقی میکرد. بر این اساس وی معتقد بود گام نخستین برای

دست یابی به پیشرفت، استقلال فکری و دوری از تقلیدهای بی‌محتوا از فرهنگ و اندیشه غربی است. از نظر او: غرب زده انسان پا در هوایی است که نه رابطهای با گذشت زمان دارد و نه درکی از آینده. غرب زده هرهری مذهب است و به هیچ چیز اعتقاد ندارد. نان به نرخ روز خور و راحت طلب و بیشخصیت و بیتخصص و قرتی و... است. [\[iv\]](#) [۴]

- این کتاب جرقه مهمی برای روشنفکری ایرانی در ابتدای دهه ۴۰ بود که خیانت غرب و شرق را به آرمانهای ملی و استقلال طلبانه ایرانی با تمام وجود حس نموده و قریب به یک دهه سرکوب از سوی دولتی دست نشانده را تجربه کرده بود. و این سرآغازی بود برای فصلی جدید از تاریخ تفکر معاصر ایرانی که یک دهه بعد آثار خود را پدیدار نمود.

غریبزدگی جلال آل احمد چند کار مهم برای جامعه ایران انجام داد: نخست آنکه از راه فراهم آوردن یک تراز نامه انتقادی از کارنامه صد ساله روشنفکری در ایران، مسائل پیچیده‌ای که این جامعه در حال تغییر با آن دست به گریبان بود را به سادگی توضیح داد. دوم آنکه با مطرح ساختن دوباره مسئله هویت ملی و قومی یک آلترناتیو بومیگرایانه را در برابر دیدگاه انترناسیونالیستی نیروهای چپ ایرانی که در آن برهه از قدرت زیادی برخوردار بودند، علم کرد؛ و سوم آنکه غریبزدگی با ارائه یک مسئله سوزناک برای دوران و آداب و رسوم که می‌رفتند تا رفته رفته از خاطرها زدوده شوند کفه ترازو را بسوی یک گفتمان جهان سومی که نسبت به آنچه غرب برای عرضه داشت شکاک بود، سنگینتر کرد و چهارم آنکه به روشنفکران ایرانی تلنگری زد تا به خود آیند و هژمونی فرهنگی بیگانه که می‌رفت تا بر حیات فکری و سیاسی و اقتصادی جامعه ایرانی سایه افکند، به رویارویی برخیزند. [\[v\]](#) [۵] وی آن دسته از روشنفکران ایرانی را که به غرب بعنوان یک آلترناتیو مینگریستند مسئول اصلی به وجود آمدن فضایی میدانست که آماده ورود و چیرگی غرب بود. [\[vi\]](#) [۶]

با ایجاد فضای آزادتر در آغاز دهه ۱۳۴۰، نیروهای سیاسی مخالف حکومت شاه، پس از یک دهه سکوت و تجدید قوا با آرایشی جدید به میدان آمدند. در حالیکه از فردای کودتای ۲۸ مرداد، ایران به جولانگاه بیگانگان در حوزه های نظامی، سیاسی، اقتصادی و بالاخص فرهنگی تبدیل شده بود، این بار جهت پیکان مخالفتها به سوی سرسپردگی ایران به غرب و تلاش برای رهایی از آن سوق مییافت. پیشگام این حرکت جدید نه روشنفکران، که روحانیون به رهبری امام خمینی (ره) بودند. در حالیکه سیاستهای جدید شاه در راستای گسترش فرهنگ غربی و سرکوب نهادهای سنتی در جامعه افزایش مییافت، حوزه های علمیه پس از مدتها دوری از سیاست، به مقابله با این اقدامات شاه برآمده و به مخالفت با سیاستهای غربگرایانه شاه پرداختند.

سال ۱۳۴۱ سالی سرنوشت ساز در تاریخ ایران به شمار میرفت و سرآغاز شکل جدیدی از مبارزات بر علیه حکومت استبدادی پهلوی بود. در حالیکه نیروهای سیاسی مخالف دوره‌های قبل، به شدت سرکوب شده و توان فعالیتهای جدید را نداشتند و از سوی دیگر جامعه نیز اقبال چندانی برای پذیرش تفکرات آنان از خود بروز نمیداد، روحانیت توانست روح جدیدی در کالبد حرکت‌های سیاسی مخالف شاه بدمد؛ حرکتی که شعار اصلی آن مبارزه با غرب و غربی شدن جامعه ایران بود.

جلال آل احمد تحت تاثیر این تحولات جدید و آشنایی با امام خمینی (ره)، کتاب "در خدمت و خیانت روشنفکران" را نوشت که

بار دیگر نقدی بود بر اقدامات روشنفکران ایرانی در یک قرن اخیر و دفاع از روحانیت به عنوان سدی در برابر این غرب زدگی و پیروی از حکومت‌های استعماری غرب.^[vii] به عقیده او رسالت روشنفکر تنها در دانستن نیست، بلکه در قبول مسئولیت هم هست و پذیرش مسئولیت ملازم با عمل است. آل احمد از غربزدگان می‌خواهد که باید از این وضعیت اسفبار غربزدگی عبور کرد و این منظور خرد با عمل فکری و عمل سیاسی و اجتماعی امکان پذیر نیست. برای عبور از خط غربزدگی، اگر باید اقدام به تفکر یا عمل سیاسی کرد، به یک اهتمام عملی نیاز دارد. او اعتقاد داشت که: «در سراسر تاریخ، روشنفکران، در اغلب، بنده قدرت‌ها بوده‌اند. یعنی خریده می‌شدند به وسیله قدرت‌های روز» و از طریق آثارش در جست و جوی آن دسته از روشنفکرهایی بود که «خودشان را در اختیار طبقات محروم بگذارند».^[viii]

در واقع او با انتقاد از روشنفکران سر سپرده به غرب، این بار نیروی جدیدی را برای پیشگامی در فعالیتهای فکری و سیاسی معرفی نمود. وی با مراجعه به تاریخ مشروطه، نقش روحانیت در مبارزات ضد استبدادی را ستود و هوشیاری آنان برای تشخیص رد پای غرب در حرکات اینچنینی و مقابله با آن - نظیر آنچه شیخ فضل الله نوری برای آن کوشید - را یادآوری نمود و از روحانیت بعنوان سنگر بزرگی برای پرورش تفکر بومی و مقابله با نفوذ بی چون چرای غرب در ایران یاد کرد و بطور کلی نقش مذهب در این امر را بخوبی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. او که خود در خانواده‌های روحانی پرورش یافته بود و مقاومت صادقانه آن با اصلاحات غربی رضاخانی و رنجها و مشقات حاصل از آن با تمام وجود احساس کرده، اینک که تنها راه نجات را در مبارزه با تسلیم فکری، فرهنگی و سیاسی به غرب میدانست، روحانیت را تنها قشری تشخیص میداد که قادرند با این نفوذ مقابله نموده و با توجه به مقبولیت در میان مردم، خواهند توانست این مقاومت را به مقاومتی فراگیر تبدیل کنند. به نظر وی روحانیون با صلاحیت‌ترین پزشکانی هستند که میتوانند این واکسن نجات دهنده هویت ایرانی را فراهم آورند.^[ix] تاکید او بر مذهب شیعه به عنوان راه نجات، بعدها از سوی روشنفکران دیگری نظیر شریعتی - که بر نفوذ بی چون و چرای جلال بر خود اعتراف کرده‌اند - را به خوبی میتوان تشخیص داد. امری که دهه بعد به انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ختم شد و با شکلهای جدیدی به حیات خود ادامه داد.

تلاشهای آل احمد، زمینه های مساعدی برای پیوند میان روشنفکران و روحانیون - که تا پیش از این سنخیت و نقاط مشترک چندانی برای فعالیت با یکدیگر نداشتند - در دهه ۱۳۵۰ فراهم کرد؛ روی آوردن آل احمد به مذهب بیانگر چرخش ایدئولوژی طیف گستردهای از روشنفکران ایرانی بود. اندیشه‌های ضد مذهبی روشنفکران کمکم جای خود را به اسلام مبارز و سیاسی میداد و مذهب شیعه به مثابه یک ایدئولوژی مدرن به اینکه روحانیون تنها قشری در ایران بودند که در برابر غرب تسلیم نشده‌اند، لحن ضد مذهبی آنان را ملایم تر سازد و از سوی دیگر تلاش کرد روحانیون را قانع سازد که اتحاد آنها با روشنفکران تنها راه موثر برای به مبارزه خواندن حکومت استبدادی شاه است.^[x] از سوی دیگر به دلیل پائین بودن سطح سواد توده‌های مردم، «رابطه میان روشنفکر و توده، دچار اختلالی مداوم بود». اما آلا احمد در دهه چهل نه تنها توانست جامعه روشنفکری را از انزوای بیرون کشد، بلکه فضای روشنفکری زمان خود و نسلهای جوان بعدی رازیرسلطه خودآورد و مرکز این تاثیرگذاری آل احمد در کتاب غربزدگی است.^[xi]

در مجموع باید گفت که آل احمد نماینده نسلی از روشنفکران ایرانی بود که هم از لیبرالیسم و هم از سوسیالیسم سرخورده بودند. ناخشنودی وی از لیبرالیسم ریشه در این واقعیت داشت که غرب علیرغم قولی که برای پشتیبانی از دموکراسی میداد، همه آنچه که برای ایران به ارمغان آورده بود استعمار کهنه و نو و پشتیبانی از حاکمان خودکامه بود. همچنانکه سرخوردگی او از سوسیالیسم نتیجه توسعه‌طلبی شوروی، شکست سوسیالیسم موجود در برآورده ساختن وعده‌های خود و نگرش فرمانبردارانه رهبران حزب توده در برابر خواسته‌ها و سیاست‌های شوروی بود. [xii] [۱۲] و در نهایت همه اینها سیر تحول در اندیشه وی و بازگشت به ریشه‌های اعتقادی و بومی جامعه خودی را در او زنده ساخت.

جلال آل احمد محصول فراز و نشیب‌های یک جامعه رو به تحول بود با این حال، هیچگاه از تلاش برای رسیدن به هدف اساسی خود یعنی مبارزه با استبداد داخلی و سلطه خارجی و رسیدن به رشد و اعتلا، دست برداشت و هرگز تعصب خشک و بینتیجه را بر تلاش برای رسیدن به حقیقت برتری نداد و به ما آموخت که به آرمانها بیش از "ایسم" ها وفادار بمانیم و از اعتراف به اشتباهات و تلاش برای جبران آنها نهراسیم، کما اینکه خود او در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرد.

تاثیرگذاری وی بر حوزه ادبیات نیز در همین راستا به خوبی مشهود است، به نحویکه وی آغازگر راهی در ادبیات ایران بود که داریوش آشوری به زیبایی آن را چنین توصیف کرده است: «ادبیات روزگار ما با یک جهش از دوره هدایت به دوره آل احمد جهید، ادبیات سرخورده، غمگین و رنگ پریده بوف کوری ناگهان جای خود را به ادبیاتی ستیزنده و شتابنده و جهنده و پرغوغا داد. آل احمد بحث کهنه و لوس «هنر برای هنر» یا «هنر برای اجتماع» را رها کرد و مفهوم «مسئولیت نویسنده» را از سارتر الهام گرفت، نظریه‌های که «مسئولیت» را جزء ذاتی کار نویسنده می‌داند نه چیزی افزون بر آن. آل احمد با پیش کشیدن این نظر درباره ادبیات حرکت و تکانی تازه را سبب شد و خودش همیشه پرچمدار این حرکت ماند. او سنگینترین وزنه قلم در دوره خود بود و کمابیش همه نسل جوانتر را به اشکال مختلف تحت نفوذ خود داشت. نثر آل احمد هر چند در دست او بهترین سلاح کارش بود اما در دست مقلدانش لوس و بی روح می‌شد؛ زیرا این نثر و شیوه تنها یک شیوه و سبک نبود، یک شخص بود، "جلال آل احمد" بود [xiii]. [۱۳]

آدرس مطلب :

۲- لا احمد- لا- جلا- سیاسیه- لاند پشه- تجو- سیر/ ۲۰۳۴۹/ <https://www.cafetarikh.com/news/>